



۲۰۱۴/۱۰/۰۲

حبيب الرحمن صائم

اشرف غنی و آرزوهایش (*)

من رئیس جمهور جدید افغانستان آقای اشرف غنی را نه تنها شخصاً می شناسم، بلکه با پدر و پدر کلان او نیز آشنایی داشته ام. بر مبنای همین آشنایی دیرینه اطمینان داده می توانم که او یک رئیس جمهور با اراده و پی گیری بوده می تواند. منتهی در گفتاری که به روز "تاج پوشی" به ملت افغان و جهانیان تحویل داد، صدای یک اندازه بلند پروازی به گوش می رسید، اما امید من اینست که همه مأمول های خود را با درایت و کار فهمی بی که دارد - البته تا حد ممکن، بسر رسانده بتواند.

"تا حد ممکن" بدان جهت گفتم که امروز که همه ما دم شکایت از فساد اداری می زنیم، در واقع قلمرو فساد در کشور ما تنها تا مرز های اداره نبوده بلکه یک اکثریت بسیار، بسیار قاطعی از خود ملت نیز به صورت ردیف در ردیف و قطار در قطار به "فساد غیر اداری" مبتلا می باشند. پس در واقع مجادله موعود آقای اشرف غنی تقریباً با تمام ملت است که در آن هم دزد می گوید خدا، و هم قافله.

امید دیگری هم دارم و آن این که اگر طبقه خبرگان دردمند مردم ما دست بهم داده و آنچه را برای اصلاح امور می دانند، در صفحات همین نشریه یا نشرات دیگر با اولیای حکومت در میان بگذارند. بنده به سهم خود از میان گفته های آقای اشرف غنی روی سه مورد آن پیشنهاد دارم که ذیلاً به عرض خوانندگان می رسانم:

۱- در مورد عدم مداخله وکلای شورا در امور حکومت. ما یک شبکه بسیار فراخ امنیتی داریم که کارمندان آن نه تنها در وزارتخانه ها و ریاست های مستقل، بلکه در ارگان های کوچک تر به سویه نواحی شهری نیز به کار گماشته شده اند. به این کارمندان وظیفه داده شود که هر گاهی که کدام وکیل ولسی جرگه یا سناتور برای دیدار وزیر، معین یا مادون وی می آید، راپور مفصل آن را با نام و شهرت وکیل، نوعیت کارش و شخصی که با وی ملاقات نموده، به ریاست امنیت بفرستند. ریاست امنیت نیز لیست همین نام ها را در اخیر هر هفته در یکی از روزنامه های دولتی به نشر بسپارد. به این صورت وزیر صاحب از برای حفظ نام خود حاضر نمی شود که با وکیل یا سناتور صاحب ملاقات کند. اما پیاده کردن چنین یک ستراتیژی اگر به صورت جسته گریخته باشد، به نظر من بی نتیجه خواهد بود. مثلی که در بسیاری از معاملات آقای کرزی دیدم. پس لازمست تا سر از یک تاریخ معین این عمل در همه دوایر حکومتی به منصفه عمل گذاشته شود. محض تراکم و تکرار آن این ترس را از میان بر می دارد که وکلاء کسانی را که به خواهش شان عمل نکرده اند مورد استیضاح و سلب اعتماد قرار بدهند. حالا که به اصطلاح مشهور کار ما به "اول پیاله و دُرد" کشیده است، باید منتظر بروز مشکلات از جانب اعضای شورای ملی در دادن رأی اعتماد به کابینه آقای اشرف غنی باشیم. اما چون خیلی زود آب از سر گذشت، یگانه چیزی که توصیه کرده می توانیم در دو کلمه خلاصه شده می تواند: به پیش.

۲- در مورد فساد در قوه قضائیه. در حال حاضر ما در کشور خود مثل اکثر ممالک جهان، یک سیستم قضائی سه مرحله ای داریم که عبارت از محاکم ابتدائیه، استیناف و تمیز می باشد. وقتی دعوی بین احمد و محمود در محکمه ابتدائیه به ضرر احمد تمام شود، او حق دارد که بالای فیصله محکمه ابتدائیه در محکمه بالاستی استیناف طلب گردد. به همین منوال اگر در مرحله استیناف نیز فیصله محکمه پایینی را تأیید نمود، باز هم می تواند به محکمه تمیز فرجام خواه گردد. و اگر درین مرحله نیز دنیا به کام دل او نگرید، ما مراحل تجدید نظر داریم که تکرار آنها با قدرت مندی و یا مقدار سرمایه فرجام خواه تناسب مستقیم دارد.

اما بر علاوه آنچه که گفته آمد، در سیستم ما "یک فرقک" دیگری هم وجود دارد که بسیار جانگاہ و جگر سوز است. آن اینکه اگر فیصله علیه احمد در محکمه دوم (استیناف) نقض گردید - یعنی این بار به نفع احمد تمام شد، دعوی از اثر فرجام خواهی محمود به محکمه سوم (تمیز) نرفته بلکه دوسیه پس به محکمه ابتدائیه جهت غور مجدد احاله میگردد. اگر محکمه ابتدائیه دلائل محکمه دوم را قبول کرد، فیصله خود را اصلاح نموده به محکمه ثانوی می فرستد. و اگر با ارائه دلائل دیگر آن را قبول نکرد، باز هم موضوع به محکمه ثانوی رفته و این بار فیصله محکمه ثانوی مدار حکم میگردد. به همین منوال این پینگ پانگ قضائی بین محکمه های استیناف (ثانوی) و تمیز نیز تکرار میگردد. اما اگر احیاناً محکمه تمیز فیصله محکمه ابتدائیه را که در محکمه استیناف نیز به تأیید رسیده نقض کرده

باشد، دوسیه مربوط را به محکمه استیناف می فرستد و برای شان هدایت میدهد که به محکمه ابتدائیه بفهماند که فیصله شان به فلان دلیل (یا دلایل) نقض گردید. درین مرحله اگر محکمه ابتدائیه دلیل محکمه تمیز را قبول کرد، حرف محکمه تمیز را مدار حکم قرار داده و دوسیه را می فرستد به محکمه استیناف تا آنها نیز در قرا رتأییدی خود همین کار را بکنند. اما اگر محکمه استیناف بالای فیصله خود ایستادگی نمود، دوسیه را می فرستند به محکمه تمیز. باز محکمه تمیز حق قبول یا رد آن را دارد. اگر قبول کرد، دوسیه پس به محکمه استیناف احاله میگردد تا ... نا گفته نماند که هر کدام ازین مراحل سال یا حتی سالها را در بر میگیرد. اطمینان میدهم که کار مندان محاکم کشور ما هر روز آن را بهره آور طومار های بیئل چاپ (نوت صد دالری) می بینند .

یک طرز العملی در زمانه های پیشین داشتیم که روند آن تقریباً به شکل زیر بود: هر گاه حکم غیر عادلانه یک محکمه در محکمه بالایی به دلایل واضح نقض میگردد، بار اول به قاضی محکمه پایینی اخطار داده میشد و موضوع در یک "دیتا بیس" ستره محکمه ثبت می گردید. تکرار آن در مرحله دوم یا با جریمه یا تنقیص رتبه مواجه میگردد. بالآخره در بار سوم دست او از کار گرفته میشد. در سیستم فعلی، رئیس جمهور حق ندارد که حتی در کار یک قاضی محکمه ابتدائیه هم دخالت نماید. پس قاضیان اسپ خود را در هر سمتی که خواسته باشند، از جیب ملت و مرد جولان میدهند. می توانیم قانونی وضع کنیم که همین روند را به نحوی یا دیگری تازه کند.

۳- در پروسه قانون سازی با کسانی که قانون بالای شان تطبیق می گردد هیچ گونه مشوره ای صورت نمی گیرد. بلکه در واقع قانون سازی یک روندی است که مثل پلان سازی یک داره دزدان به منظور دزدی از خانه مردم است که پلان آن از صاحب خانه مخفی نگهداشته می شود. به صورت مثال قانون قضایای دولت را در نظر می گیریم. موضوع اشکار اینست که در دفاتر قضایای دولت اطراف دعوی اکثرأ اشخاص حقیقی علیه دولت یا بالعکس بوده و قضایای دعاوی ارگان های دولت علیه یک دیگر در یک اقلیت قرار دارند. اما تمام مواد این قانون برای سازمان دهی گروه اخیر ساخته شده است. در محاکم عادی (از قبیل مدنی، ترافیک، حقوق عامه و غیره) مدعی علیه حق تعطل در پیشبرد دعوی مدعی را ندارد. اما در قانون قضایای دولت اگر خازنوال قضایای دولت برای یک سال هم دعوی مدعی حقیقی را روی دست نگیرد، اخیر الذکر حق شکایت را ندارد .

در کشور امریکا یک مسابقه زور آزمایی خاصی وجود دارد که یک شخص مقابل یک گاو بسیار قوی هیکل و دارای شاخ های دراز ایستاده و هر دو شاخ گاو را بدست می گیرد. آن گاه شاخ های گاو را به یک طرف می پیچاند تا موفق به خواباندن یا غلتاندن گاو گردد. ازین سپورت یک ضرب المثلی بوجود آمده است که می گویند برای بسر رساندن یک عمل خطیر باید گاو را از شاخ هایش بگیریم. همین توصیه را برای آقای اشرف غنی نیز دارم . این بود سه موردی که ممکن است برای اصلاح حکومت - یا دولت داری آقای اشرف غنی کمک اندکی کرده بتواند. حال آرزوی دیگر من از کارگذاران افغان جرمن آنلاین این است که این موضوع را به اقتراح بگذارند تا صاحب نظرانی که خواسته باشند، با نظریات خود طی منزل را برای حکومت جدید آسان تر ساخته باشند .

همین حالا که این نوشته را به پایان رساندم، رادیوی طلوع خبر داد که شورای عالی قوه قضائیه این ادعاء آقای اشرف غنی را که قوه قضائیه افغانستان متهم به فساد می باشد، به شدت رد کرده و گفته است که نامبرده با قانون آشنایی کامل ندارد زیرا که در قانون اساسی افغانستان اصل مهم آن تفکیک قوای ثلاثه می باشد. به نظر ناچیز من شورای عالی قضائی یک کشور همواره متشکل از متبحر ترین شخصیت های قانونی و عدلی آن می باشد. حالا رئیس جمهور گفته است که قوه قضائیه متهم به فساد اداری می باشد، نه این که محکوم به آن. هر کس می تواند متهم به بدترین جرم ها و جنایات گردد، اما تا زمان نهائی شدن حکم در محاکم ذیصلاح، متهم مذکور تنها متهم است و نه محکوم علیه. اکنون که تمام دنیا از ملل متحد تا مجامع حقوق بشر، انترپول و مبارزه با فساد می گویند که محاکم افغانستان از کثیف ترین محاکم دنیا می باشند، آیا این ادعا در زمره اتهام نمی آید؟ این که شورای عالی ستره محکمه مثل شتر مرغ سر خود را زیر ریگ پنهان می کند تا از واقعیت های پیش رویش با خبر نشود، کار خود شان است. انگلیسی زبانان یک مثلی دارند که "اگر حقایق با معتقدات من توافق ندارد، بدا بر حال حقایق."

(*) به نظر من از همه اولتر باید در مورد نام رسمی این جناب به یک تفاهم سرتاسری برسیم. چه نام کامل ایشان (محمد اشرف غنی احمدزی) می باشد. حسب سیستم تسمیه غربی و معمول در جهان امروزی نام او باید محمد احمدزی باشد. اما شتر را گفتند گردنت کج است...

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی